



اساس سوسیالیسم انسان است  
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.  
منصور حکمت

Weekly publication of Worker - communism Unity Party

1391 ژوئن 2012 - 7 تیر

چهارشنبه ها منتشر میشود

e.mail: [siavash\\_d@yahoo.com](mailto:siavash_d@yahoo.com)

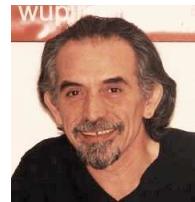
سردیبر: سیاوش دانشور

261

# یک دنیای بهتر

نشریه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

برای



یادداشت سر دیبر،

سیاوش دانشور

## جدال بر سر آلترا ناتیو حکومتی مذهب و سلطنت در آلترا ناتیو راست بورژوا ای

(4)

علی جوادی

صفحه 2

## کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد!



## دم خروس دفاع از رژیم اسلامی در حکومت تریبونال لندن

صفحه 7

آذر ماجدی

## گفتگو با سیاوش دانشور

## در باره حضور در تریبونال لندن

### اطلاعیه پایانی نشست مشترک

احزاب، سازمانها و نهادهای چپ و کمونیست

## اعتصاب مجدد کارگران پتروشیمی دماوند

### اطلاعیه سوم

قابل توجه شرکت کنندگان در مراسم بزرگداشت  
منصور حکمت

## تفاوتهای کمونیسم منصور حکمت

صفحه 11

سیاوش دانشور

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

همانطور که انتظار میرفت مذاکرات مسکو هم به بن  
بست رسید و رژیم اسلامی نتوانست در شکاف ائتلاف  
آمریکا و اروپای غربی و روسیه و چین مانور دهد. با  
شکست مذاکرات مسکو اعمال تحریمهای اقتصادی  
مشمول شاهرگ اقتصادی ایران یعنی نفت خواهد شد و  
قربانیان بلافضل این جدال ارجاعی بیش از پیش از  
کارگران و مردم محروم خواهند بود.

در کنار شکست مذاکرات مسکو ناتوان عملاً دست بکار  
تهاجم نظامی به سوریه شده است و لحن اوپاما و دولت  
آمریکا روی گزینه نظامی در قبال جمهوری اسلامی  
سنگین تر شده است.

قرار نبود در مسکو حتی با عقب نشینی رژیم اسلامی در  
پرونده هسته ای همه چیز به خیر و خوشی تمام شود.  
پرونده هسته ای بهانه ای و دریچه ای به تقابلهای  
بنیادیتری بین اردوی تروریسم دولتی و اردوی تروریسم  
اسلامی است. نه تحریمهای اقتصادی قرار بود ملغی  
شود، نه قرار بود رابطه رژیم اسلامی با غرب بهبود  
یابد، نه مسئله هسته ای فی النفسه معضل واقعی این  
نشست ها بود. قرار است اسلام سیاسی در ایران و  
منطقه هژمونی تروریسم دولتی را بر سمیت بشناسد.

در این اوضاع رژیم اسلامی یا باید ملعق بزند و  
جنابهای طرفدار سازش را بمیدان بفرستد و یا وارد  
جنگی شود که در آن آینده رژیم اسلامی نامعلوم است.

منافع کارگران و مردم ایران بیرون این دو سناریو است.  
راه مقابله با این اوضاع خطیر بمیدان آمدن مردم ایران  
و برگرداندن ورق سیاست به طرق انقلابی است. \*



استبداد و دیکتاتوری را ابقاء کند، باید کارگر را خاموش کند و جلوی تحرک کمونیسم و آزادیخواهی را سد کند، بدون تعارف نیازمند قدرت مخرب مذهب در این چهارچوب است. باید در عین حال کاری کرد که جامعه به این وضعیت بعضاً و یا بخشا با "رضای خاطر" تن دهد. از این رو مذهب نقش کلیدی در این آلترناتیو ایفا میکند. این جریانات میدانند که سرمایه و حکومت استبدادی سرمایه در ایران برای گردش و سودآوری و بقاء نیازمند آخوند و دستگاه کثیف مذهب است. آگاهند که وجود دستگاه خرافی آخوند در کنار حاکمیت این جریانات همان نقشی را در به بند کشیدن و اسارت کارگر و جامعه ایفا میکند که توب و تانک و ارتش و تلویزیون دولتی شان ایفا میکند. مذهب همانند سرنیزه ارتش و چماق پاسدار ابزاری کشند و موثر برای این آلترناتیو در فردای رویاهایشان است. به مذهب برای خفه کردن هر نوع توقع و اعتراض کارگری و آزادیخواهانه و مترقبی نیازمندند. مذهب زهری است که این جریانات هم بدان نیاز دارند. مذهب خفه میکند، ناکار میکند، تحقیق میکند تا حکومت پرو غربی سرمایه به سودآوری بپردازد. بعلاوه مذهب اصولاً بقای تاکتونی خود را نیز مدیون همین نقش تاریخی اش است. هر نیرویی در راس چنین سیستمی حتی اگر در خلوت خودش به "ریش آخوند بخند" و به مزخرفات آخوند و مذهب اعتقاد چنانی نداشته باشد و یا خودش

## جدال بر سر آلترناتیو حکومتی مذهب و سلطنت در آلترناتیو راست بورژوازی

(4)

علی جوادی

طرد باورهای خرافی و جاهلانه و ضد انسانی مذهب از ذهن جامعه هستند؟! از نقطه نظر این جریان باید هیولای "روحانیت" را به جان مردم انداخت تا "آسیبهای واردہ" را ترمیم کنند. نگران ضرباتی هستند که جنبش سکولاریستی و آزادیخواهانه و خلاصی از مذهب و سنت و عقب ماندگی به باورهای مذهبی و خرافی وارد کرده است. از این رو این جریان در ضدیت با تلاش جامعه برای خلاصی فرهنگی و خلاصی از شر مذهب است. از نقطه نظر اینها حکومت اسلامی باید کنار زده شود، اما اسلام و مذهب در جامعه و بعض از دولت است. در میتواند و باید نقش داشته باشد. مذهب برای این جریان راست اهرمی است در کنترل و اتفاقاً مردم. باید همچنان در خدمت سرمایه و آلترناتیو این جریانات انجام وظیفه کند. مضمون است یک ایراد این جریان به حکومت اسلامی این است که عملکردش منجر به "سست" شدن پایه های اعتقادات مذهبی مردم در جامعه شده است.

بوده اند. شاه همواره "سایه خدا" بوده است. سلطنت و شاه نیز مشروعيت حکومت و استبداد مطلقه شان را از خدا و "نمایندگان خدا بر روی زمین" یعنی از آخوندها دریافت کرده است. در قانون اساسی دوران شاه، "روحانیون" حق و تو قوانین را حقوقاً در اختیار داشتند و قوانین جامعه باید از تائید آنها میگشت. اما بورژوازی راست و پروگریبی اکنون پس از ۳۳ سال حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی بعضی مدعی سکولاریسم و مدعی در جدایی دین از دولت است. در عین حال عمیقاً خواهان حفظ نفوذ و سلطه مذهب در جامعه اند. رضا پهلوی یکی از چهره های این صفت در بیانیه ۱۴ ماده ای خود میگوید:

"مذهب در تحکیم مبانی اخلاقی جامعه نقش دیرینه و ضروری خود را ایفا خواهد کرد، و روحانیت اصیل به انجام رسالت اخلاقی و معنوی خویش و ترمیم آسیبهایی که در رژیم جمهوری اسلامی به مبانی و اعتقادات مذهبی مردم ایران وارد آمده است برخواهد خاست".

اما پیام آلترناتیو راست برای اینده جامعه و مردم چیست؟

**مذهب و آلترناتیو راست بورژوازی**  
مذهب همواره یکی رکن و ابزار اصلی حاکمیت سیاسی در دوران معاصر ایران و در دوران حکومت سلطنتی بوده است. در واقع باید گفت در تاریخ گذشته سیاسی ایران مذهب و سلطنت دو روی سکه حاکمیت طبقات مرتاج

البته چنین نگرشی مختص جریان متعدد طرفدار سلطنت یا مشروطه خواه نیست. بلکه اساساً همه شاخه های جنبش راست بورژوازی اینگونه به مذهب و نقش این صنعت مخرب و آدمکش در آلترناتیوشن نگاه میکنند. مذهب عصای دست این جنبش ارجاعی است. اما چرا؟ چرا نمیتواند و نمیخواهد با مذهب قطع رابطه کند؟

واقعیت این است که سرمایه داری در ایران تاریخاً به نفوذ مذهب در جامعه متکی بوده است. این جریان به این نیاز واقعی واقعند. این امر هم تصادفی نیست. حکومتی که باید

نقش صنعت مذهب و تلاشی دستگاه مذهب برای مطبع کامل روشن است. در واقع این جنبش نگران کم اثر شدن کاربرد مذهب در خدمت اهدافش برای قدرت گیری و حفظ قدرت است. در همان حال که ادعای سکولاریسم دارند در همان حال هم نگران

حکومت و نظام و جوهر آلتراتیو هاست. در درجه اول دو آلتراتیو با هم تعیین تکلیف خواهند کرد و این مساله تنها در پرتو جمال گرایشات اصلی و طبقاتی جامعه حل و فصل خواهد شد. اگر مردم شکست بخورند، اگر آزادیخواهی و برابری طلبی و کمنیسم در پس تحولات حاضر شکست بخورد، آن زمان گرایش سلطنت طلب و پادشاهی شانس محدودی خواهد داشت. در غیر این صورت همه این تصورات بر باد خواهد بود. بعلاوه تبلیغات این جریانات که مردم "سلطنت" و "پادشاه" را انتخاب کنند مضحك تر از پوج است. کجای تاریخ مردم سلطنت را انتخاب کرده اند؟ در کدام تاریخی شاهان با "رأی" و "اراده" مردم به قدرت رسیده اند؟ سلطنت هیچ زمان "انتخابی" نبوده است. موروثی است. کسی به شاه قابلی زهر داده و سرش را زیر آب کرده و به قدرت رسیده کوئتا کرده و این اتفاقاً در پاسخ به این صورت سلطنت انتخابی مانند است. سلطنت انتخابی فاشیسم آزادیخواه و اسلامیون معتمد یک تناقض در مفهوم است. یک غیر ممکن است.

اما از نظر آلتراتیو کارگری و سوسیالیستی، از نظر مردم آزادیخواه و برابری طلب، حکومت "جمهوری" راست و بورژوازی مورد نظر این جریانات فرق چندانی با "سلطنت" بورژوازی این جریان نخواهد داشت. هر دو سر و ته یک کرباسند. خاورمیانه تا چندی پیش پر از "جمهوری های" سرمایه داری مدام عمر بود. از صدام گرفته تا قذافی تا حسنه مبارک. مضمون این حکومتها تا آنجا که حتی به فرم و شکل حکومتی بر میگردد تماماً یکی است. مردم فاقد هر گونه حقوق و اراده ای هستند. رای مردم هیچگونه دخلاتی در تعیین سرنوشت جامعه ندارد. حکومت اسلامی یک نمونه جمهوریهای راست بورژوازی است. و اگر در تاریخ ایران

## جادال بر سر آلتراتیو حکومتی مذهب و سلطنت در آلتراتیو راست بورژوازی ...

نوعی دیگر از دخالت مذهب در شئونات زندگی مردم است. بسپارند که هنرشن در این است که فرزند یک شاه سرنگون شده است؟ اینجا سلطنت خود را برای احراز پست "مقام اول مملکت" در این آلتراتیو به کسی که هنرشن که هنرشن در این است که فرزند یک شاه سرنگون شده است؟ اینجا سلطنت این واقعیت تا حدود زیادی تاثیر خود را بر صفوف خود جریانات طرفدار اعاده سلطنت نیز داشته است. بخشی از این جریانات، بعضاً یکی از گرایشات موجود در مشروطه خواهان، علیرغم تمایل شان میدانند که بسادگی نمیتوانند این پروژه را به یک واقعیت حتی در صفوف جریانات راست پر و غربی تبدیل کنند. از این رو بعضاً تلاش میکنند که جلوی شکاف صفوف خود را بگیرند و میگویند که "شكل حکومتی مهم نیست، مضمون آن مهم است". اتفاقاً در پاسخ به این تلاشها باید گفت که شکل حکومتی در این صفت موضوع جمال و کشمکش است. چرا که دعواهی بر سر "مضمون" حکومت در این اتفاقاً در مقابل گرایش جنبش بسادگی در مقابله با "سلطنت طلب" کوتاه نخواهد آمد. چرا که این شکل حکومتی و تلاش برای اعاده سلطنت را پاشنه آشیل این جنبش و آلتراتیو میداند. تلاش "سلطنت طلبان" و یا "مشروطه خواهان" را برای احیای سیستم سلطنت گذشته غیر واقعی و ناخوانا با واقعیت زمانه و جامعه کنونی ایران کشمکش در این صفوف است. نتیجتاً معنی عملی این سیاست تلاش برای به تأخیر اندختن سرنوشت این میداند. بعلاوه دلیلی نمی بینند که بالاترین پست حکومتی در "عوام پسند" قانع کرده اند که شکل حکومتی در "رفراندم" آتی در ایران تعیین خواهند کرد. از قرار مقدم باید "رأی" دهنده تا اقای رضا پهلوی به "پادشاهی" برسد. چه رویاهای پوچی!

اما این راه حلها و تبلیغات تماماً پوج و غیر واقعی اند. حتی نیروی چندانی هم در صفوف این جریانات به این راه حل ها باوری ندارند. مساله پیش از آنکه بر سر شکل حکومتی باشد، اتفاقاً بر سر ماهیت در این عرصه دل بسته اند. مسلمان کم نیستند کسانی در این صفت که خود را هزار بار شایسته تر و لایق تر و یا با سابقه تر از رضا پهلوی می بینند. می گویند چرا شانس

شخصاً حاضر نباشد فرزندانش زیر دست و پای این جانوران معیوب و ناقص شوند، به نیروی حماقت آفرین مذهب بمثابه بخشی از ارتش میلیونی جهل و عقب مانگی محتاج است. و این یک نیاز پایه ای مذهب در سیستم سرمایه داری در ایران است. حضور و نفوذ مذهب در جامعه و تحرک دستگاه مافیایی مذهب یک عنصر ضروری حاکمیتشان است. از این رو است که وقیحانه حساب اسلام را از حکومت اسلامی جدا نمیکنند. و جایگاه ویژه و اساسی برای مذهب در اینده باز نمیکنند.

این آلتراتیو مجبور است که با آخوند و مذهب سازش کند. آخوند خوب و بد و مذهب خوب و بد کند. مجبور است که مردم را به زیر دست و پایه دستگاه مافیایی مذهب بفرستد تا له شوند و کار کند و استثمار شوند. بی دلیل نیست که در دستگاه فکری و عقیدتی این جنبش کلا آخوند شخصیتی والا و محترم است. و خداوند سر دسته این اوپاش عوامگریب و چاقوکش قرار است که "تگهدار ایران" باشد. اما هر تحول آزادیخواهانه در ایران دارای جوهری شدیداً ضد مذهبی، ضد عقب مانگی و ضد جهل و تعصبات ذاتی و ناشی از آن دارد. از این رو تلاش این نیروها از امروز در ضدیت و رو در روی تلاش میلیونها جوان و زن و مرد برای طلب و کلا تلاش جامعه برای خلاصی از شر صنعت مذهب و تعیین تکلیف قطعی با دستگاه مذهب قرار دارد. آینده ای که این جریان به جامعه و عده میدهد ادامه گذشته است. ادامه

پرچم متفاوت در مقابله با این شرایط برافراشته شده است. آلترناتیو راست و بورژوازی و آلترناتیو چپ که کارگری و سوسیالیستی است. واقعیت این است که یا آزادی یا بار دیگر ادامه استبداد در اشکال دیگر در مقابل مردم قرار دارد. یا برایری حقوقی و اجتماعی یا تبعیض و نابرابری و نقاوت و شکاف طبقاتی و اجتماعی. یا یک زندگی مدرن و امروزی و پیشرفتی یا تداوم استثمار و عقب ماندگی و نابرابری و فقر و فلاکت. آلترناتیو ها روشن اند.

نباید به کم، به بد در مقابل بدل رضایت داد. نباید کم توقع بود. نباید به تغییرات کوچک و محدود بسند کرد. میتوان تمام آزادی را خواست. میتوان تمام رهایی را خواست. میتوان تمام خلاصی را خواست. هیچ حکم از پیشی جامعه و مردم و کارگر را به اسارت در چنگال سرمایه و ملزومات سیاسی و اقتصادی اش محکوم نکرده است. جامعه فردای ایران میتواند جامعه ای مدرن، امروزی، سکولار، برایری، آزاد و مرفه باشد. چنین نظامی فقط میتواند محصول یک انقلاب کارگری، محصول استقرار یک حکومت کارگری و سوسیالیستی باشد.

امروز تمام آزادیخواهان، تمام سکولاریستها، تمام برایری طلبان، تمامی جوانانیکه برای خلاصی فرهنگی و خلاصی از مذهب مبارزه میکنند، تمام کسانیکه خواهان یک زندگی شاد و مرفه و انسانی هستند باید به دور آلترناتیو چپ، آلترناتیو کارگری و سوسیالیستی گرد آیند. این انتخابی برای آینده است. انتخابی برای خوشبختی و سعادت جامعه است.\*

## جادال بر سر آلترناتیو حکومتی مذهب و سلطنت در آلترناتیو راست بورژوازی ...

کوکانه بیش نیست. با اقتصاد کار ارزان خوانای ندارد. از طرف دیگر سلطنت در این کشورها نه نشان پیشرفت و احراق حقوق مردم بلکه نشان عدم پیشرفت و قطع سلطه کامل نفوذ این دستگاه انگلی در جامعه است. چرا ملکه انگلستان باید در کاخها زندگی کند و یک روز در زندگی پر نکتش کار نکرده باشد؟ چرا بخشی از هر معامله و تجارتی به جیب این خانواده انگل صفت باید برسد؟ اینها هم میتوانند مثل انسان شریفی کار کنند و از قبل کارشان زندگی کنند. هم چنین باید تاکید کرد که نفس وجود آزادیهای سیاسی در اروپا میدیون انقلابات سیاسی علیه سلطه دستگاه سلطنت و مذهب در جوامع اصلی اروپایی و نه حضور سلطنتی "مشروعه" بوده است. مردمی عزم کرند تا ریشه این جریان را نابود کنند. در برخی جوامع موفق به قطع کامل این ریشه نشند و این بخش انگلی همچنان جایی در حاکمیت و سیاست و جامعه دارد. و واقعیت تاریخی در ایران این است که سلطنت و آزادی، سلطنت و برابری سلطنت و آزادی، سلطنت و برابری به هیچ وجه قابل جمع نیستند. فروش سلطنت به مردم آزادیخواه در ایران نیازمند تلاشی هرکولی است.

در پایان یکبار دیگر باید تاکید کرد که جامعه ایران در آستانه تحولات تاریخی و تعیین کننده ای قرار گرفته است. جمهوری اسلامی رفتی است. مردم حکم به سرنگونی اش داده اند. دو آلترناتیو اجتماعی، دو افق، دو همانطور که گفته شد شرایط حکومتی سرمایه و شرایط حکومت و نظام را نه نیات افراد بلکه ملزومات پیشبرد و کارکرد طبقه سرمایه دار و مناسبات سلطنت مشروعه مانند نوع دانمارکش که شاه و ملکه تحت کنترل قرار دارند یک توهم بشر" احترام بگذارد مساله این

### زنده باد انقلاب کارگری!

# نشست شرک احزاب سازمان ها و سازمانی چپ و کمونیست سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی زنده باد سوسیالیسم

15. شورای دانشجویان و جوانان چپ ایران
16. کانون همبستگی با کارگران ایران - گوتبرگ
17. کمیته بین المللی برای حمایت زندانیان سیاسی ایران (ناظر)
18. کمیته خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت)
19. کمیته یادمان کشتار سیاسی دهه 60 در ایران - مونترال
20. نشست زنان چپ و کمونیست
21. نهاد همبستگی کارگری نورد راین و سفقلان، آلمان (ناظر)
22. نهاد همبستگی با جنبش کارگری ایران - غرب آلمان
23. هسته اقلیت
24. همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران - پاریس
25. هیئت اجرایی سازمان کارگران ایران انقلابی ایران (راه کارگر)

27 ژوئن 2012 - 7 تیر 1391

## اطلاعیه پایانی اولین نشست مشترک احزاب و سازمانها و نهادهای چپ و کمونیست

اسامی شرکت کنندگان در نشست به ترتیب حروف الفبا:

1. اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران (ناظر)
2. اتحاد چپ ایرانیان در خارج کشور
3. اتحاد فدائیان کمونیست
4. پیوند در خدمت کمونیست های ایران
5. جمعی از چپ های کلن - آلمان
6. حزب اتحاد کمونیسم کارگری
7. حزب رنجبران ایران
8. حزب کمونیست ایران
9. حزب کمونیست ایران (مارکسیست - لینینیست - مائوئیست)
10. سازمان آزادی زن
11. سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) کمیته مرکزی
12. شبکه زنان (ناظر)
13. شورای پشتیبانی از مبارزات مردم در ایران - تورنتو، کانادا (ناظر)
14. شورای حمایت از مبارزات آزادخواهانه مردم ایران - استکهلم

از جریانات مختلف با وظیفه هماهنگی فعلیتها و تدارک نشست دوم طی ماههای آتی.

2- سازماندهی اقدامات سیاسی معین برای تقویت این روند.

نشست تاکید کرد که در فضای ملتهب سیاسی ایران و جهان برای ایجاد یک بدیل انقلابی و کارگری و سوسیالیستی تلاش میکند. هدف نشست و تبادل نظرها، در مسیر یک آلترا ناتیو سوسیالیستی در ایران در تقابل با رژیم جمهوری اسلامی و تهدیدات امپریالیستی و راه حل های رفرمیستی و ارجاعی آن است.

ما نیروهای شرکت کننده در این نشست، همه کمونیستها و نیروهای انقلابی را به همکاری و تشریک مساعی در تقویت این روند دعوت میکنیم.

**سرنگون باد رژیم سرمایه!  
داری جمهوری اسلامی!**

**زنده باد آزادی!**

**زنده باد سوسیالیسم!**

در روزهای 22 الی 24 ژوئن 2012 برابر با 2 الی 4 تیرماه 1391 نشست تدارکاتی احزاب و سازمانها و نهادهای چپ و کمونیست در کلن آلمان برگزار شد. نشست با علم به تفاوتها نگرشی و سیاسی، بر اشتراکات و بر همکاری های مشترک در اوضاع خطیر کنونی تاکید کرد.

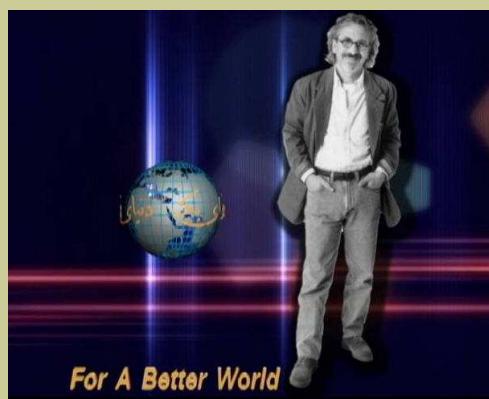
این نشست در تداوم جلسات هیئت های نمایندگی احزاب و سازمانها و نهادها برگزار شد و در آن نمایندگان 25 حزب، سازمان و نهاد سیاسی حضور داشتند.

نشست اعلام کرد که ما بخشی از نیروی وسیع چپ و کمونیسم در ایران هستیم و نشست کنونی را سر آغازی برای یک تلاش مشترک وسیعتر کلیه نیروهای کمونیست و انقلابی برای نهادینه کردن همکاری ها و تبادل نظر تلقی میکنیم.

بدنبال بحثها حول چه باید کرد، نشست به توافقات زیر رسید:

1- تشکیل یک شورای نمایندگان

## تلوزیون یک دنیای بهتر



برنامه های تلویزیون یک دنیای بهتر پنجشنبه ها ساعت ۷ صبح به وقت لس آنجلس و ۶ و نیم بعد از ظهر بوقت تهران از شبکه کانال یک پخش میشود.

## پیام تسلیت بمناسبت درگذشت شیرخان نبوی



با کمال تاسف مطلع شدیم که آقای شیرخان نبوی آسنگران تکنیسین برق نیروگاه سندج و از فعالین کارگری و کمونیست روز پنجشنبه اول تیر ماه در سن 41 سالگی بر اثر ایست قلبی درگذشته است.

ما درگذشت رفیق شیرخان نبوی را به اعضای خانواده، بستگان، فعالین کارگری و همکاران وی صدمیمانه تسلیت می‌گوئیم.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

5 تیر 1391 - 25 ژوئن 2012

## کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد!



کمیه همانه و اعغای کمیه همانه  
درگزان کمeh را آزاد کنید

Coordinating Committee to Help  
Form Workers' Organisation

روز جمعه 26 خرداد نیروهای سرکوبگر رژیم ضد کارگر جمهوری اسلامی به مجمع عمومی سالیانه "کمیه همانه" برای حمله کردند و کمک به ایجاد تشکل های کارگری در شهر کرج حمله کردند و بعد از ضرب و شتم و حشیانه 60 شرکت کننده در این اجلاس را دستگیر و به زندان رجایی شهر کرج انتقال دادند. روز شنبه 27 خرداد 51 نفر از دستگیر شدگان را با قید وثیقه آزاد اما 9 نفر از فعالین کارگری به نامهای: ریحانه انصاری، میترا همایونی، سیروس فتحی، علیرضا عسگری، جلیل محمدی، سعید مرزبان، مسعود سلیم پور، فرامرز فطرت نژاد و مازیار مهرپور کماکان در زندان بسر میبرند. این سیاستهای سرکوبگرانه و ضد کارگری در حالی تشدید میشود که دیگر فعالین کارگری از جمله رضا شهابی، علی نجاتی، بهنام ابراهیم زاده، رسول بوداغی، محمد باقری، شاهرخ زمانی، و محمد جراحی مدنهاست که در زندانهای رژیم اسلامی تحت فشار و شکنجه اند.

روز 30 ژوئن در اعتراض به رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی و در دفاع از فعالین کارگری نظاهراتی در کشورهای مختلف برگزار میشود. تشکیلات خارج کشور حزب اتحاد کمونیسم کارگری در این اجتماعات و کلیه اجتماعات جریانات آزادیخواه در دفاع از کارگران زندانی شرکت میکند و از مردم آزادیخواه دعوت میکند وسیعا در این اجتماعات برای آزادی کارگران زندانی و کلیه زندانیان سیاسی شرکت کنند.

تشکیلات خارج کشور حزب اتحاد کمونیسم کارگری

6 تیر 1391 - 26 ژوئن 2012

## اطلاعیه درباره سایت حزب

به اطلاع میرسانیم که یکی از سایتهاي حزب

[www.wupiran.org](http://www.wupiran.org)

موقعتا با مشکلات فنی روبرو شده است. بازدید کنندگان میتوانند به سایت دیگر حزب مراجعه کنند.

[www.wupiran.net](http://www.wupiran.net)

## کتاب کنترل کارگری را از سایت حزب دریافت و توزیع کنید!



لنگرودی یا سازمان متیو عshan نقی بخانم عبادی منتشر کنند. ظاهرا هم خانواده بودن جنبشی مانع از این مساله شده است. چرا که اینها هر دو به جنبش ملی اسلامی متعلق اند، یکی در راست آن و دیگری در چپ آن قرار گرفته است. بهتر است پیش از آنکه اتهامات بی اساس بطرف منتقدین تان پرتاب کنید، کمی به عوایب آن برای خودتان بیان داشتید!

سوم- "آذر ماجدی با چشم فرو بستن بر ماهیت سرکوب گرانه و استثمارگرانه ی امپریالیسم و نظام جهانی سرمایه داری، می گوید مبارزه ضد امپریالیستی به گذشته تعلق دارد و دورانش بسیار آمده است." آذر ماجدی همچنین چیزی را در هیچ کجا نگفته است. پاسخ محکم و اصولی آنست که به عین نقد جواب دهید، نه اینکه به دروغ و تحریف متوسل شوید. اجازه دهد آن متنی را که یوسف لنگرودی بخشی از آنرا دو بار نقل کرده است و بجای بخش دیگر تحریفات خود را ردیف کرده است، در اینجا بیاوریم، تا خوانندگان خود قضاوت کنند:

"متاسفانه دنیا تغییر کرده است و ما دیگر در دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی نیستیم که عده روش‌نگران تمایلات چپ و ضد امپریالیستی داشتند. دنیا تغییر کرده است و راسل ها و ژان پل ساتر ها نیز اگر زنده بودند باحتمال زیاد مواضع دیگری اتخاذ می کردند. در قرن بیست و

## دم خروس دفاع از رژیم اسلامی

### در حکومت تریبونال لندن

آذر ماجدی

از نوشته فوق را دویار نقل کرده و در ادامه آن نکاتی کاملاً بترتیب به نوشته را پشت هم ردیف کرده است؛ و با توصل به تحریف کوشیده است نویسنده متن را از زمرة حقوق بشری ها بخواهد. "به نظر می رسد آذر ماجدی چنان در گیر مسائل حقوق بشری است که انگار نه در ارتباط با مسائل جهان ماء بلکه در بگیرند".

مطلع نیستم که آقای لنگرودی ناکنون مطلبی علیه تحریم اقتصادی و حمله نظامی منتشر کرده باشد، اما از آنجا که برمه جلوه دهد. کاش ایشان این نوشته را به یک فرد مطلع از سیاست و دنیای واقعی نشان می داد و این نصیحت را می شنید که "یک چیزی بگویید که بچسبد"!

این باصطلاح آینده نگری، دامن خود ایشان و سازمانشان را می گیرد. از نویسنده ای که او را به هوداری از آن سان سوچی متنهم می کنید، ویدئو بلاگ و مطالب متعددی در نقد خانم شیرین عبادی موجود است؛ شیرین عبادی مدل ایرانی - اسلامی آن سان سوچی است. به هر دو سیاستمدار با یک هدف معین جایزه نوبل اداء شده است. اینها از نظر دولتها امپریالیستی آکتور پروژه های مشابه ای هستند. قرار است آنها را بعنوان بدیل "درباری" و سازشکار رژیم حاکم در دو کشور برمه و ایران بدیل کنند. آن سان سوچی اکنون به مقامی رسیده است؛ خانم عبادی در سال انتظار نشانده شده است؛ هر از چند گاهی صدایی و مطلع هستند، حتی در اعلام شاخدار! اگر ایشان مطمئن بود که مطلبش را عده ای خواهد خواند که از دنیای سیاست دروغ و تحریف بجای پاسخ است. به این می گویند دروغ شاخدار! اگر ایشان مطمئن بود که مطلبش را عده ای خواهد خواند که از دنیای سیاست دروغ و تحریف بجای پاسخ است. این نقد آنچنان این سازمان را دستپاچه کرده که ایشان ترجیح داده خود را به نادانی بزند تا یک پاسخ سر راست به سوالات و نقدهای مطروحه بدهد. بر منبر رفته است و در وصف تضاد عده و جایی ناپذیر بودن مبارزه علیه سرکوب از مبارزه علیه امپریالیسم در "کشورهای پیرامونی" سر به صحرای کربلا زده است.

**دروغ و تحریف بجای پاسخ**  
ابتدا به تحریف ها و دروغ هایی که به ما نسبت داده شده، بپردازیم :

دوم - یوسف لنگرودی بخشی

جاده برای طرح های امپریالیسم امریکا در ایران فراهم شود." حمایت کنندگان از تربیونال هم "پیاده نظام" امپریالیسم نامیده شده اند: "چنین فعالی با چنین افکار در هم و برهمنی معلوم است که استفاده هوشیارانه از امکانات دشمنان مردم را با تبدیل شدن ناگاهانه به پیاده نظام «پروژه» ها و نقشه های امپریالیستی اشتباه می گیرد".

مشکل اصلی آقای لنگرودی و سازمان متبع عش دقیقا همین نکته است که مانند دم خروس بیرون زده است. از نظر آنها به محکمه کشیدن رژیم اسلامی باتهم سی سال جنایت علیه مردم ایران، بخاطر شکنجه و اعدام و تجاوز به هزاران زندانی در دهه ۶۰ عمل جاده را برای امپریالیسم امریکا هموار می کند. پس آیا حق نداشتم که در نوشته پیشین موضع بیانیه این سازمان را دفاع خجول از رژیم اسلامی بنامیم. اگر دادخواهی علیه رژیم اسلامی بمعنای جاده صاف کنی برای امپریالیسم امریکا درک شود؛ محکوم کردن این دادخواهی با هر بهانه ای، دفاع از رژیم اسلامی فهمیده خواهد شد. این مساله اصلی تمام آن جمله پردازی ها در مورد دو قطب کار و سرمایه و جهانخواری امپریالیسم و فضل فروشی های چند من یک غاز دیگر است.\*

تکرار این اتهام پوچ باقی نگذاشته است. بعلاوه آنکه در مورد سوال های روشنی که در مقابل سازمان شان گذاشته شده، کاملا سکوت می کند. این سوال واقعی که سازمان های اپوزیسیون چپ از دولتها اروپایی در طرف های مختلف پول دریافت می کنند؛ و سازمانهایی که بویژه تحلیل هایشان "سطحی و کوچه بازاری" نیست، بخوبی اگاهند که این دولتها متعلق به ناتو و کمپ "امپریالیسم جهانخوار" هستند. پاسخ به این سوال ظاهرا برای سازمان راه کارگر صرف نداشته است؛ چرا که در نوشته حتی اشاره ای به آن نشده است. به روی خود نیز نیاورده اند. دریافت پول از دولت صدام حسين نیز بهمین ترتیب.

و بالاخره، آقای لنگرودی در تدقیق موضوع شان در قبال نقد محکم، از چاله درآمده و به چاه افتاده است. اگر در بیانیه سازمان راه کارگر- هیات اجرایی، اشاره ای به مقوله "جاده صاف کن امپریالیسم" نشده و با ظرافت این مفهوم بشکل تلویحی طرح شده بود؛ یوسف لنگرودی صاف و پوست کنده، شاهدان این تربیونال را "جاده صاف کن امپریالیسم خوانده است: "مسئله این است که صرف نظر از چه بودی مواضع آنها، همه شان حق دارند و باید به دادخواهی شان علیه رژیم جنایتکار حاکم ادامه بدهند، بدون این که فرصتی برای هموار کردن

## دم خروس دفاع از رژیم اسلامی

### در حکومیت تربیونال لندن...

یک، در دنیای پس از بازده سپتامبر، در دنیایی که جنگ تروریست ها آنرا به خاک و خون می کشد، در دنیایی که دو قطبی تروریسم دولتی و اسلامی در مقابل هم صفت آرایی کرده اند، چگونه می توان یک دادگاه مردمی از نوع دادگاه راسل سازمان داد؟ باید به این سوال پاسخ گفت. ما چه بخواهیم و چه نخواهیم خانواده های جان باختگان و زندانیان سیاسی سابق به تنهایی قادر به تشکیل چنین دادگاهی نیستند. باید از وكلاء حقوقدانانی که تحت همین سیستم ها داشت آموخته اند و حرفة ای شده اند استفاده کرد. اگر قرار است که این دادگاه نماینند تاثیری داشته باشد باید از این امکانات موجود بهره جست. تنها راه حفظ سلامت سیاسی - اخلاقی کامل این تربیونال شفافیت است. باید کارکرد و پرسوه های تحقیق و رای دادن باز، علنی و شفاف باشد. این تنها راه ضمانت تشکیل یک دادگاه واقعا مردمی است. در این دادگاه اول نقش خانواده های جان باختگان و زندانیان سیاسی سابق در شکل گیری و پیشرفت دادگاه کاملا روشن است".

دوما، ایشان نقل قول را پس از چگونه می توان یک دادگاه مردمی از نوع دادگاه راسل سازمان داد؟" قطع کرده است و کوشیده است این تصویر را بدده که تشکیل دادگاهی از نوع دادگاه راسل از نظر نویسنده غیرممکن است. در درصورتیکه بدنیال طرح این سوال، پاسخ به آن نیز طرح شده است. راه اطمینان حاصل کردن از عدم سوءاستفاده از شاهدان و "عدم وابستگی" توسل به شفافیت است. مقوله ای که یوسف لنگرودی در پایان نوشته اش به یکی از منتقدین بعنوان راه حل ارائه داده است.

آقای لنگرودی این بار دیگر به مساله وابستگی مالی به "امپریالیسم جهانخوار" اشاره نمی کند. چون نقد آنچنان محکم بوده است که جایی برای تروریسم دولتی" را "یک ارزیابی

## زنده باد جنبش مجمع عمومی کارگران! زنده باد شوراهای کارگری!

**کارگران در اعتراضات جاری به مجمع عمومی مตکی شوید! مجمع عمومی ظرف اعمال اراده مستقیم و مستمر توده کارگران است!**

**جنبش مجمع عمومی کارگری  
را تقویت و گسترش دهید!**

نباشید و دست مریزاد بگویم. نفس اینکه دادگاه سمبولیکی برای بر ملا شدن گوشہ بسیار کوچکی از پرونده قطور جنایت در ایران فراهم شد بسیار مهم است. این دادگاه توجه زیاد جلب کرد هرچند رسانه‌های اصلی آنطور که درخور اهمیت این واقعه بود به آن نپرداختند.

حزب ما و جنبش کمونیستی کارگری برای برپائی جامعه ای آزاد و خوبشخت مبارزه میکند. جامعه ای که در آن استثمار و تبعیض و سرکوب و اعدام و زندان سیاسی باید برچیده شود. ما میگوئیم بنیاد چنین جامعه ای نمیتواند بر خونخواهی و انتقام و تداوم جنایت پی ریخته شود. تلاش ما اینست که جامعه از ایندوران وحشت یکبار برای همیشه عبور کند. هدف ما نه انتقام بلکه روش شدن حققت است. در عین حال ما سیاست بخشش جنایتکاران را نداریم. آنها باید در دادگاههای علی، عادلانه و منتخب مردم محکمه شوند. ابعاد این جنایات باید روش شود و دست اندرکاران آن باید محکمه شوند. قربانیان و بازماندگان باید بتوانند از درد و شکایت شان حرف بزنند. حقایق یک نسل کشی و یک سرکوب سیاسی و خونین روش شود و با الغای مجازات اعدام و شکنجه و زندان سیاسی و تضمین وسیع ترین و گسترده ترین آزادیها، یکبار برای همیشه جنایت و زمینه اجتماعی جنایت را از بین بیریم.

یک دنیای بهتر: برخی از نیروهای "اپوزیسیون" به جای محکمه سران رژیم به جرم جنایت علیه مردم خواهان بخشش عمومی هستند. میگویند با بخشش میتوان حلقه محکمه و خونریزی را بست. پاسخ شما چیست؟ واقعیت کدام است؟

سیاوش دانشور: این سیاست از سر بزرگ منشی و یا عدالتخواهی صفحه 10

که بر اثر بیماری فوت کرده است. تاکید کردم که مجموعاً قریب 300 نفر از همزمان من اعدام شدند که حاضر لیست نهایی را تهیه و به مرحله بعدی دادگاه ارائه کنم.

همینطور به انواع شکنجه و تکنولوژی شکنجه در زندانهای جمهوری اسلامی که مبتنی بر تجربیات ساواک و موساد و سیا بود و سیعیت اسلامی به آن افزوده شده بود اشاره کردم و بعنوان نمونه از پرژوهه "قیامت" و نگهداشتن زندانیها در فضایی تابوت مانند که باید ماهها در آن میمانند حرف زدم.

و بالاخره تاکید کردم که ما برای خونخواهی اینجا نیامده ایم. ما مخالف قاطع مجازات اعدام هستیم. ما میخواهیم حقیقت یک کشتار عظیم که در چهار گوشه ایران خاورانها و گورهای دستجمعي را آفریده است روش شود. ما میخواهیم به چرخه معیوب چشم در مقابل چشم و انتقام و کشتن عادمنه افراد بخارط عقایدشان یکبار برای همیشه پایان دهیم. خطاب به خانواده های جانباختگان اعلام کردم که ما اسرایی یک انقلاب بخون کشیده شده در زندانها بودیم. ما در زندانهای سخت زندان تلفات دادیم اما مجموعاً شکست نخوردیم. آنها میخواستند با سرکوب انقلاب و ایجاد خاورانها و شکنجه مستمر، آرمانخواهی و آزادیخواهی و تلاش برای تغییر را دفن کنند. اما نتوانستند. از ما زیاد قربانی گرفتند اما نهایتاً شکست خورند. زنده بودن آرمانخواهی کمونیستی و تلاش برای تغییر نشان میدهد که آنها نتوانستند به اهدافشان برسند.

یک دنیای بهتر: جایگاه این پرژوهه و کلا محکمه سران رژیم در مجموعه سیاستهای حزب اتحاد کمونیسم کارگری چیست و حزب چه تاکیداتی در این زمینه دارد؟

سیاوش دانشور: من میخواهم به دست اندرکاران این پرژوهه خسته

## کفتگو با سیاوش دانشور

### در باره حضور در تریبونال لندن

یک دنیای بهتر: شما در این تریبونال به عنوان یکی از شاهدان عینی دستگاه کشتار جنایت و آدمکشی حکومت اسلامی شرکت کردید. در این تریبونال چه گفتید و بر چه نکاتی انگشت گذاشتید؟

سیاوش دانشور: روز 19 زوئن که برابر با 30 خرداد بود من بعنوان شاهد در دادگاه حاضر شدم. سخنام را ابتدا با گرامیداشت قربانیان بیشمار سالروز کودتای خونین علیه انقلاب 57 شروع کردم از جمله از رفقا؛ عباس انتظام حجت، مسعود نیازمند، هوادر کومله در سال 61 مهدهی میرشاهزاده، محمد ممتاز کارگر جهان چیت، جواد قاعده، منیره هاشمی، بهنام رضائی جهرمی، احمد حسینی ارانی، علی رضوی، مجتبی احمد زاده، و محمد یزدانیان نام بردم.

در ادامه به رفقای زمینی ها و بندی در زندان قزلحصار که اعدام شدند از جمله رضا عصمتی از فعالین قدیمی گروه هوادر کومله در تهران، نادر حسینی که یکسال حکم داشت و سال 63 لو رفت و اعدام شد نام بردم. از برادر کوچکتر نادر، علیرضا حسینی اشاره کردم که بدبانی اعدام نادر تعادل روانی اش را از دست داد و هیچ وقت نتوانست به اعدام شد را نشان دادم، از داشت آموزانی که در پاوه جلوی مدرسه اعدام شدند سخن گفتم و لیست 58 نفر از اعدامیهای آن سال را که توسط خلالی و بدستور خمینی و بدبانی یورش 28 مرداد 58 به کردستان تیرباران شدند به دادگاه ارائه کردم.

در ادامه راجع به دستگیریم در

## پیام همبستگی

نشست مشترک احزاب، سازمان‌ها و نهادهای چپ و کمونیست

### جمهومیت هجوم نیروهای سرکوبگر رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی به نشست فعالین کارگری در کرج

11. سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) کمیته مرکزی
12. شبکه زنان (نظر)
13. شورای پشتیبانی از مبارزات مردم در ایران- تورنتو، کانادا (نظر)
14. شورای حمایت از مبارزات آزادخواهانه مردم ایران- استکهلم
15. شورای دانشجویان و جوانان چپ ایران
16. کانون همبستگی با کارگران ایران- گوتبرگ
17. کمیته بین المللی برای حمایت زندانیان سیاسی ایران (نظر)
18. کمیته خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت)
19. کمیته یادمان کشتار سیاسی دهه 60 در ایران - مونترال
20. نشست زنان چپ و کمونیست
21. نهاد همبستگی کارگری نورد راین و سفقالن، آلمان (نظر)
22. نهاد همبستگی با جنبش کارگری ایران- غرب آلمان
23. هسته اقلیت
24. همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران - پاریس
25. هیئت اجرایی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

ما حاضرین در نشست تدارکاتی احزاب، سازمانها و نهادهای چپ و کمونیست خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط دستگیر شدگان نشست کرج و تمامی فعالین کارگری زندانی و زندانیان سیاسی هستیم.

ما پشتیبانی همه جانبی خود را از مبارزات و خواستهای برق طبقه کارگر در ایران اعلام و همچنین از تحرکات فعالین "اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران"، "نهادهای همبستگی با جنبش کارگری - خارج از کشور" و ... حمایت همه جانبی خود را اعلام می‌داریم.

**اسامي شركت کنندگان در نشست به ترتیب حروف الفبا:**

1. اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران (نظر)
2. اتحاد چپ ایرانیان در خارج کشور
3. اتحاد فدائیان کمونیست
4. پیوند در خدمت کمونیست های ایران
5. جمعی از چپ های کلن - آلمان
6. حزب اتحاد کمونیسم کارگری
7. حزب رنجبران ایران
8. حزب کمونیست ایران
9. حزب کمونیست ایران (مارکسیست- لینینیست- مائوئیست)
10. سازمان آزادی زن

اخیرا هجوم سرکوبگران جمهومیت اسلامی به نشست سالیانه "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری" در شهر کرج منجر به سرکوب، ضرب و شتم و دستگیری حدود 60 نفر از فعالین کارگری شرکت کننده در این اجلas سالیانه شده است. گرچه نزدیک به 50 نفر از کارگران دستگیر شده، پس از 48 ساعت آزاد شدند، اما حدود ده تن از آنان همچنان در زندان به سر می‌برند. این در حالی است که پیش از آن، کارگرانی همچون: رضا شهابی، علی نجاتی، محمد جراحی، شاهرخ زمانی، علی اخوان، رسول بداقی و ... و نیز فریبرز رئیس دانا عضو "کانون مدافعان حقوق کارگر" از مدت ها پیش زندانی شده اند.

بی تردید این تعرض سرکوبگرانه به فعالین کارگری نشانه وحشت رژیم جمهومی اسلامی از رشد نارضایتی و اعتراضات عمومی مردم، به ویژه طبقه کارگر در برابر و خامت وضعیت معیشتی و محرومیت همه جانبی ای است که زندگی همگانی را با دشواری های فراوان رویرو کرده است.

اعتراض خانواده های دستگیر شدگان و اعتراضات عمومی در سطح جامعه و اعتراض اتحادیه ها و تشکل های کارگری و نهادهای مبارزاتی در سطح جهان پاسخی است که در مقابل این حمله به عمل آمده است.

## گفتگو با سیاوش

### دانشور در باره حضور در تریبونال لندن

نیست. بر عکس، هدف آنها زیر پوشش عبارت بخشش دست یافتن به یک "آشتی ملی" است که اسم رمز سازش میان بخشاهای مختلف طبقه حاکمه است. اتفاقاً اینها نمیتوانند مدعی بستن چرخه خونریزی باشند چون خودشان به ارگانهای سرکوب مأفوّق مردم، به طبقات و دولت طبقاتی، و به مناسبات مبتنی بر تبعیض عمیقاً باور دارند. "بخشنش و آشتی ملی" حرف امروزشان در اپوزیسیون است اما وقتی به قدرت بررسند بنا به منفعت سیاسی و طبقاتی شان ناچارند جنایت کنند و جنایت را توجیه کنند.

از طرف دیگر سیاست بخشش عمومی هدف مهمتری دارد. هدف آن مهار تعریض مردم انقلابی به ارگانهای طبقه حاکمه است. میگویند ببخشم، اما منظورشان اینست که کل دستگاه را نگهداریم تا بتوانند بعداً از آن برای تداوم سرکوب استفاده کنند.

ما سیاست بخشش جنایتکاران را نداریم. اما سیاست اعدام جنایتکاران را هم نداریم. محکمه جنایتکاران، که بنظر من کلیه سران و کاربستان این حکومت را شامل میشود، سیاستی اصولی و عدالتخواهانه است. این سیاست را باید کنار سیاست الغای مجازات اعدام، الغای شکنجه، برچیدن زندانهای سیاسی، حقوق مجرمین، آزادیهای سیاسی، حقوق فردی و اجتماعی، و همینطور زدن ریشه و زمینه مادی اختناق و تبعیض و سرکوب بگذارید تا روشن شود چه کسانی میتوانند بطور واقعی از تکرار جنایت دولتی جلوگیری کنند.\*

## زنده باد سوسیالیسم!



## به مناسبت سالگرد 30 خرداد 60

نادر رضا نژاد

روز 20 ژوئیه در مرکز شهر گوتبرگ سوئد آکسیونی به مناسبت سالگرد 30 خرداد 60 به فراخوان حزب اتحاد کمونیسم کارگری- واحد سوئد برگزار شد.

ساعتی قبل از آکسیون میز کتاب و نمایشگاهی از قتل عام دهه 60 و اعدامهای رژیم اسلامی با کمک فعالین سوسیالیست و کمونیست شهر برپا شد که مورد توجه رهگذاران واقع شد.

راس ساعت 18 کریم نوری در سخنرانی خود به بخشی از تاریخ اعدامهای اسلامی از 30 خرداد 60 تا به امروز اشاره کرد. کریستوفر لوندبری از حزب سوسیالیستهای عدالتخواه در سخنرانی خود به بخش دیگری از جنایات رژیم اسلامی پرداخت و حمایت حزب خود را از مبارزات برابری طلبانه مردم ایران اعلام کرد. فیروز سلیمانزاده، نادر رضانژاد در سخنرانیهای خود اعلام کردند که تمامی سردمداران این حکومت باید در دادگاههای مردمی به جرم جنایت علیه بشریت اعدام شوند و اشاره داشتند که ما اینکار را تضمین خواهیم کرد. سخنرانیهای دیگر به ترتیب اعلام جرم خود را علیه رژیم اسلامی ایران بیان کردند و نوشین قادری اطلاعیه حزب در مورد بازداشت حدود 26 تن از فعلان کارگری در روز 26 خرداد در کرج را فرانت کرد.

در فاصله سخنرانیها شعار مرگ بر جمهوری اسلامی و زندانی سیاسی آزاد باید گردد تکرار می شد و در آخر کریم نوری یکبار دیگر بر لزوم حمایت مردمی از مبارزات آزادخواهانه مردم ایران اشاره کرد و اعلام کرد:

ما خواهان حذف رژیم اسلامی ایران از جوامع بین المللی هستیم! ما خواهان مسدود کردن حسابهای بانکی سران از خارج کشور هستیم! ما خواهان محکمه تک تک سران رژیم اسلامی به جرم جنایت علیه بشریت و مردم ایران هستیم و این را تضمین می کنیم.

برای دیدن فیلم تظاهرات که به زبانهای سوئدی، فارسی و انگلیسی می باشد به لینک زیر مراجعه کنید.

<http://www.youtube.com/watch?v=VHEdYU6M94A&feature=share>

25 ژوئیه 2012

مرگ بر جمهوری اسلامی  
آزادی، برابری، حکومت کارگری  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی





## تفاوت‌های کمونیسم منصور حکمت

سخنرانی در کنگره دوم منصور حکمت در پادبود وی، ۴ زوئیه ۲۰۱۰ - هایگیت لندن

سیاوش دانشور

ماتریالیسم پراتیک است.

انترناسیونال اول کمونیستی، و قبل از بسیاری جلد ها در منصور حکمت خیر مقدم میگویند و از بنیاد منصور حکمت و رفیق آذر ماجدی عزیز که این فرصت را فراهم آورد تا بتوانیم در باره گوشه هایی از زندگی سراسر مبارزه انقلابی، دیدگاه ها و جایگاه اجتماعی منصور حکمت صحبت کنیم صمیمانه تشرک میکنم. همینطور به همزمان عزیزی که از مراکز مختلف صنعتی و شهرهای ایران به کنگره پیام فرستادند صمیمانه درود میفرستم.

مارکس که زمانی خود جزء هنگلی های جوان بود در سال ۱۸۴۵ با نقد ماتریالیسم تغییر انقلابی جهان و جامعه را پس میزنند و با یک نگرش دترمینیستی راجع به تاریخ و سیر تکاملی آن به بورژوازی تشلیم میشوند. این دوره ای است که برای سالهای طولانی ماتریالیسم پیشین متفاوت بود. مارکس با کتاب ایدئولوژی آلمانی و ۱۱ تزر کوتاه در باره فویر باخ، یک ماتریالیسم خود ویژه، یک نگرش انتقادی - علمی و انقلابی و پیگیر را نسبت به جهان پیرامون و در مرکز آن داشته باشم.

در این فرست ترجیح میدهم بجای متمرکز شدن روی جنبه ای از دیدگاه و نظرات منصور حکمت در باره تفاوت‌های کمونیسم منصور حکمت و ریشه های آن در یک مقیاس تاریخی اشاراتی ماتریالیسم پراتیک گذاشت. آنچه که ماتریالیسم مارکس را ویژه میکند، جایگاه تعیین کننده ای است که پراتیک بطور عام و پراتیک انقلابی پراتیکی مارکس و نقش اراده انسان برای تغییر را به مرکز تلاش سوسیالیستی بر میگرداند. متدولوژی لنین، چیزی بیشتر از وفاداری علمی به ماتریالیسم ویژه مارکس، یعنی ماتریالیسم پراتیک نیست. ماتریالیسمی که دیالکتیک رابطه متقابل پراتیک انسانی با جهان عینی را در ریافته است. همین دیدگاه و جدل های او با منشویکها، لنین و رگه لنینیسم را خود ویژه میکند. و لازم به تأکید است اگر این دیدگاه نبود به احتمال قوی انقلاب اکتری هم در کار نبود.

ماتریالیسم پراتیک امروز در گورستان های گیت پای مقبره مارکس و منصور حکمت گذاشتیم و یاد این رهبران طبقه کارگر را گرامی داشتیم. روی مقبره مارکس جمله ای نوشته شده که تمام داستان زندگی کمونیسم مارکس و لنین و منصور حکمت را توضیح میدهد: "تمام فلاسفه به طرق مختلف جهان را تفسیر کرده اند، حال آنکه مسئله بررس تغییر آنست." این جمله همانطور که مطلع هستید از کتاب ایدئولوژی آلمانی و تزر هایی در نقد ماتریالیسم فویر باخ گرفته شده است. مارکس قبل از تدوین سرمایه و مانیفست کمونیست، قبل از کمون پاریس اولین حکومت کارگری جهان، قبل از ایجاد

با شکست انقلاب اکثر مجدد این نگرش حاشیه ای میشود. ما در قرن بیستم با انواع سوسیالیسم و مدعیان مارکسیسم روپرتو هستیم که ادعائی برای تغییر انقلابی جهان ندارند. شما حتی در فروم های مارکسیستها که مرتبی در کشورهای اروپا برگزار میشود شرکت کرده اید و یا راجع به آن خوانده اید. صدها نفر روشنفکر بورژوا و اساتید و به اصطلاح فیلسوف مارکسیست جمع میشوند. اما حرفهایی که بنام مارکس میزنند حیرت آور است. یک ذره امید، یک ذره تلاش برای تغییر، اینکه وضع موجود را قبول نکنی، و مهمتر اینکه این به اصطلاح مارکسیستها خودشان فعل و رهبر و تربیتون جنبش سوسیالیستی کارگران باشند دیده نمیشود. حتی آنجا که کسانی پیدا میشوند و از یک تز مارکس و صحت آن دفاع میکنند، صرفا دفاعی از تئوری مارکس میکنند به این معنی که مارکس درست گفته است. اما چیزی در باب چه باید کرد در این نگرش و سازماندهی جنبشی بر اساس این دیدگاه ها دیده نمیشود و حتی ادعایش هم وجود ندارد.

شکست انقلاب اکثر موجب شیفتی در کمونیسم قرن بیست شد که مشخصه اش جدائی کمونیسم از کارگر و جدائی از مارکس است. ناسیونالیسم، دمکراسی و رفرمیسم گرایشات اصلی ای هستند که سر منشاء انواع کمونیسم هایی اند که به همه چیز مربوط اند بجز به مارکس و به انقلاب کمونیستی کارگری و به تغییر جهان.

صفحه 13

زنگیرها و قیود تاریخ توجه دارد بلکه با تلاش برای تغییر جامعه توسط پراتیک اجتماعی - طبقاتی تاریخ را شکل میدهد. یک تاکید و تز مهم کمونیسم و متداولوژی کمونیستی منصور حکمت اینست که هیچ چیزی بیرون بشر اتفاق نمی‌افتد. قرار نیست تاریخ بخودی خود به چیزی منجر شود، قرار نیست "نقی به توقی" بخورد و ما رستگار شویم! بشر اگر بخواهد می‌شود و اگر نخواهد نمی‌شود. در نتیجه نقش تصمیم، نقش انتخاب انسانها، دست بردن به عمل انقلابی و دخالتگری در سیاست برای تغییر اصل است و نه تاریخ. او علاقه ویژه ای دارد که کمونیسمش با عباراتی مانند پراتیک، دخالتگر، انقلابی و سازش ناپذیر معرفه و شناخته شود.

**عنوان نظریه پرداز مارکسیست**  
منصور حکمت عنوان یک تئوریسین و نظریه پرداز مارکسیست و دقیقاً به اعتبار نگرش انتقادی - پراتیکی - انقلابی اش به جهان و جامعه و سنتهای موجود، کارنامه درخشان و خود ویژه ای دارد. آثاری که از او بجا مانده است برای کارگر کمونیست فرن پیست و یکم یک گنجینه غنی آموزش و یک اسلحه مهم برای انقلاب کمونیستی است. آثار منصور حکمت اساساً ویژگی ایرانی و کشوری ندارند و عميقاً ملهم از یک نگرش انتربنیونالیستی است که کارگر کمونیست در ایتالیا، انگلستان، آلمان و هر گوشه جهان میتواند پلاکرم و مبنای فعالیت کمونیستی خود بکند.

معمولًا کسانی پیدا می‌شوند که با یک نگرش پوزیتیویستی و از ته تاریخی به جوانبی از دیدگاه ها و سیاست های آدمهای مشهور ابراد میگیرند. اما اهمیت شخصیت های تاریخی را نمیتوان اینگونه تبیین و بررسی کرد. امروز کاپیتل و مانیفست مارکس هنوز

نشاند و به مارکسیسم رایج تبدیل کرد. او تنها کسی است که بعنوان جنجالی ترین چهره و شخصیت سیاسی و رهبر چپ حتی توسط اردوی راست برسمیت شناخته شد و همه در موارد مهم منتظر بودند که منصور حکمت چه میگوید. امروز بسیاری موضوعات و موضع سیاسی در باره مسائل جامعه وجود دارند که هر لیبرال و راستی هم براحتی ظاهرا آن را می‌پذیرد. زمانی بود که حتی چپ ها و به اصطلاح کمونیست های آن مملکت هم چنین ادعاهایی نداشتند. منصور حکمت جامعه و زمین سیاست و سیستم ارزشی را زیر و رو کرد و به ایوزیسیون ایران و عراق و جنبش موسوم به کمونیستی در قلمروهای مختلف معیارهای جدیدی تحمل کرد. این اولین تقاویت مهم کمونیسم منصور حکمت است که او را در شرایط و چهارچوب تاریخی تماماً مقاومت و نامساعدی، در ردیف مارکس و لنین و در سنت سیاسی و فکری واحدی با مارکس و لنین در قیاس با دیگر مارکسیستها و کمونیستها و رهبران سوسیالیست در سطح ایران و جهان میگذارد.

**تاریخ یا جامعه**  
یک ویژگی و تفاوت مهم دیگر کمونیسم منصور حکمت تقابل با دترمینیسم و جبر گرانی است. برخلاف بسیاری از ماتریالیست های مفسر که از تاریخ، اهمیت طبقات تاریخی، دوران، ضرورت تکامل طبقات و نیروها و عناصر تاریخی سخن میگویند و از آن نتیجه میگیرند که حالا وقت چه کاری رسیده یا نرسیده، منصور حکمت قوسیتی برای تاریخ فائل نیست. برای او تاریخ چه میگوید مهم نیست، ما چه میخواهیم مهم است. و این یکی از مهمترین گوشه های ماتریالیسم پراتیک و پرایتیک مارکس درک کند. لاید کم استاد فلسفه و تاریخ نبودند که این تمايزها را در جزئیات از بر بوده اند. بحث بررس اینست که بعد لنین رهبر سیاسی مارکسیست و پرایتیسین انقلابی ای به صحنه نیامد که سنت فکری و پرایتیک اورژینال مارکسی را بعنوان کمونیسم و مارکسیسم به کرسی بنشاند. منصور حکمت بطور عینی، و نه بخاطر اینکه رفیق ماست، چنین جایگاهی دارد. او تنها کسی است که با دست خالی و منصور حکمت نه به فرهنگ مردم، نه به سطح آگاهی آنها، نه به

## تفاوت‌های کمونیسم منصور حکمت ...

تربیدی نیست که کمونیسم بعنوان جنبش طبقه کارگر علیه سرمایه داری وجود دارد اما یا منکوب شده و یا بدیع ضعیف است که نمیتواند بعنوان بستری تمایز و جهانی و حتی منطقه ای و کشوری خود را مطرح کند. تربیدی نیست در طول این سالها کم کمونیست و مارکسیست و معارض و متزجر از این اوضاع وجود نداشتند. اما بازیگر صحنه جنبش های طبقات دیگر هستند که عمدتاً بنا به اعتبار مارکسیسم و جنبش بین المللی سوسیالیستی ناچار شدند که اهداف ناسیونالیستی و رفرمیست و دمکراتیک خود را در زورق "مارکسیسم" عرضه کنند. انقلابات، خیزشها، اعتراضات، مبارزات، جنگ ها و قیام های متعددی را هم در طول قرن داشته ایم. انواع مکاتب، نشریات و گرایشات متعدد را هم داشته ایم که بخشا با نام مارکسیسم حرف زده اند. ولی از لنین به بعد آن رگه ماتریالیسم پرایتیک، آن متداولوژی انتقادی - پرایتیک مارکسیستی که پرایتیک انتقلابی را محور قرار میدهد و برای پیروزی و قدرت گیری کمونیسم تلاش میکند را نداشته ایم.

منصور حکمت کسی است که بعد از لنین این پرچم را دوباره بدست می‌گیرد. ویژگی منصور حکمت اینست که جزء این حکیم باشی های سوسیالیست و مفسرین تاریخ نیست. در متن انقلاب ۵۷ ایران جوانی ۲۷-۲۸ ساله بعنوان یک مارکسیست از انگلستان به ایران بر می‌گردد. کسی که هیچ رگ و ریشه ای در تاریخ چپ آن جامعه ندارد، از فعلیان کنفراسیون

اجتماعی تشکیل این دو حزب در دنیا نامساعدترین و بدترین و سخت ترین وضعیت است. یکی تشكیل حزب کمونیست ایران در دوره ای است که اساسا دوره قتل عام انقلابیون و کمونیست ها بعد از شکست انقلاب ۵۷ است. دوره ای که همه متواری می شدند و به بازیگری "اصلا انقلاب غلط بود" نشسته بودند. دوره دیگر زمان فروپاشی دیوار برلین و اعلام پایان کمونیسم توسط بورژوازی در دنیا است. دوره ای که کرور کرور کمونیست ها و مارکسیست های سابق خودشان به تریبون نقد مارکس و کمونیسم و پرچمدار دمکراسی تاچریستی و ریگانیستی تبدیل شده بودند. منصور حکمت در این دوره حزب کمونیست کارگری را بنیان گذاشت. خلاف جریان بودن، تسلیم نشدن، سازش ناپذیری، انقلابیگری، امید بردن به دنیای یاس و نامیدی و سنگربندی علیه بورژوازی از مشخصات کمونیسم منصور حکمت است.

### کمونیسم کارگری

کمونیسم قبل از منصور حکمت اساسا غیر کارگری است. او برای کارگری شدن کمونیسم، کل تاریخ و رگ و ریشه و فرمول ها و متدولوژی کمونیسم بورژوازی و چپ رادیکال را زیر و رو میکند تا تمایز سنت مارکسی و کارگری را تحکیم کند و این امر را در چهارچوب برنامه، تاکتیک، سیاست، فرهنگ، سبک کار، تئوری حزب، نوع سازماندهی، پایه اجتماعی و گوشه گوشه جنبش اش بسط می دهد. بخش وسیعی از اثار منصور حکمت، نقش کلیدی و منحصر بفردش در تشکیل سازمان ها و احزاب مهم کمونیستی در ایران تا آخرین سخنرانی هایش در پلنوم چهاردهم حزب کمونیست کارگری بر این امر تاکید دارد. برای منصور حکمت حزب کمونیستی تنها عنوان حزبی کارگری

نا میخواهی روی مسئله ای متمرکز شوی و دوره ای کار کنی، طرح جدیدی و ایده جدیدی برای پیشرفت همان کار طرح می شود. نقد همواره عمیق و عمیق تر میشود. برای او هدف روشن است؛ نابودی نظام سرمایه داری از طریق یک انقلاب کارگری. در این مسیر با اینکه انسان بشدت پا رو زمین و ابرکتیوی است اما تسلیم شرایط و محدودیت ها نمیشود. برای او روشن است که شرایط و چهارچوب های تاریخی دامنه عمل فعالیت کمونیستی را مشروط می کند اما در عین حال برایش روشن است که این شرایط و چهارچوب ها را با پرتابک انقلابی می توان تغییر داد و برای تغییرش تلاش می کند. اینهم از همان درک عمیق و متدولوژی ماتریالیسم پرتابکش ناشی می شود.

یک مثال، احیای مارکسیسم در کشوری است که در آن سنت های کمونیسم موجود روسی و چینی و انواع گرایشات چپ رادیکال و ناسیونالیسم چپ حاکم اند. اینکار شبیه کوه کندن است. منصور حکمت به جنگ این پدیده وسیع می رود و موفق می شود. اما بمجرد اینکه موفق می شود با افتادگی خاصی می گوید اینکارها لازم بود و دفاع از مارکس و احیای آن ضروری بود اما این اگر به کارگری شدن بیشتر کارگر منجر نشود، چه فایده دارد؟ بلاfacله به نقد محدودیت های سنت ضد روزی یونیستی می نشیند و بحث را از چهارچوب فرات از تئوری ها و اتحافات فکری به تقابل جنبش های تمایز اجتماعی می برد. از مارکسیسم انقلابی به کمونیسم کارگری شیفت میکند و بحث را از تمایز عقیدتی- هویتی به تمایز اجتماعی- طبقاتی می برد.

**کمونیسم خلاف جریانی**  
یک تفاوت دیگر منصور حکمت ویژگی خلاف جریان بودن آنست. منصور حکمت در ایران دو بار حزب کمونیستی تشکیل داد. شرایط

## تفاوت‌های کمونیسم منصور حکمت ...

منصور حکمت است. جزو پرو فروش ترین کتابهایت.

کسی اهمیت مارکس را با بحث هائی که ممکن است امروز برای مبارزه سوسیالیستی موضوعیت خود را از دست داده باشد، نمی سنجد. اهمیت مارکس در بستان پرونده غول های فکری و فلسفی پیش از خود و بدست دادن نقدی جامع و محکم از سرمایه داری و راه حل بروون رفت از آن از طریق یک انقلاب کمونیستی است. یا بخشی از آثار لینین امروز موضوعیت خاصی برای کارگر کمونیست و جنبش سوسیالیستی قرن بیست و یکمی ندارد و یا ناکافی است. اما اهمیت لینین که داد دنیا و بورژوازی را در آورده و هنوز علیه اش تبلیغات شنینه میکنند اینها نیست. اهمیت لینین در اینست که نشان داد سوسیالیسم امکان پذیر است و با تلاش و نگرش انقلابی اش کوه بخ انترناسیونال دومی ها را درهم شکست و کمونیسم و بلشویسم را به امید رهائی بشر در جهان تبدیل کرد.

### نگرش انتقادی

از دیگر ویژگی های مهم کمونیسم منصور حکمت نگرش انتقادی و تقابل با درک غیر زنده از سیاست و جامعه و مبارزه طبقاتی است. یک مطالعه ساده اثر اول، یا تجربه فردی کسانی که همزمان منصور حکمت بودند، نشان میدهد که او در عین حال که خود پرچمدار و تدوین کننده سیاست ها و تئوری های این جنبش است، مرتبا برای پیشروی بازیگری می کند و بقولی اسلحه اش را نیز می کند و جلا می دهد. او شخصیتی است که همیشه ناراضی است و در هیچ دستاورده تئوریک یا پیروزی سیاسی جا خوش نمیکند. همیشه پیشراول بجلو رفتن است. همیشه می خواهد سنگر جدیدی را فتح کند. همیشه چهارچوب محکمتری به نگرش انتقادی اش می دهد. همیشه تر و تازه و زنده است. دومین تفاوت مهم کمونیسم

کمونیسم منصور حکمت مدرن است. این مدرنیسم صرفا در برخورش به آزادی زن و یا مخالفش با مذهب تبیین نمیشود. منصور حکمت مخالف عقاید و سنت های کهنه است و به پیشرفت، علم و تکنولوژی، فرهنگ آوانگارد، و هر تحولی که راه بشر را برای بهتر زیستن و آزادتر زیستن باز میکند بشدت علاقه دارد. نقدی که منصور حکمت به شرق زدگی و عقب ماندگی فکری و فرهنگی دارد و فجایعی که این عقب ماندگی به زندگی واقعی انسانهای امروز تحمیل می کند، در قلمرو سیاست و برنامه و مطالباتی که پرچم مبارزه اند تجلی می یابد. برای منصور حکمت تبیین حق در چهارچوب های فرهنگی و ملی و پست مدرنیستی سر سوزنی اعتبار ندارد و از آن بعنوان آپارتاید فکری و فرهنگی نام میرد. این یک مدرنیسم سوسیالیستی است که کمونیسم او را برای جناح چپ جامعه غربی و کارگر کمونیست و مردم آزادیخواه بشدت جذاب می کند.

**کمونیسم انسانگرا**  
و بالاخره کمونیسم منصور حکمت بشدت انسانگرا است. انسانگرانی عقیق او ریشه در انسانگرانی کمونیسم مارکس دارد و با اولمنیسم سانتی مانتال لیبرالیسم و لیبرالیسم چپ تفاوت ماهوی دارد. کم نبودن و نیستند که مارکسیسم را به ادیوه ای برای تند و تیز کردن لیبرالیسم و انقلابیگری غیر کارگری شان تبدیل میکنند. اما برای کمونیسم منصور حکمت انسان مقوله ای مجرد نیست. "ذات انسانی"، در جامعه طبقاتی، "ذات طبقاتی" و تعلق انسانهای کنکرت به طبقات اجتماعی متخاصم است. پراتیک انقلابی انسان بعنوان جزئی از طبقه اجتماعی معین در روابط اجتماعی معین در نظر گرفته می شود. منصور حکمت و خود مارکس علیه ابتدا لیبرالیسمی که

چهارچوب دمکراسی را بعنوان تبیین بورژوا از آزادی نمی پذیرد. او می گوید طبقات اجتماعی و جنبش های سیاسی تفسیر خودشان را از آزادی دارند. اسم این آزادیخواهی عمیق برای ما سوسیالیسم است. منصور حکمت روابط بورژوازی از آزادی را نمی پذیرد و بویژه در جانی که دنیا زیر پرچم دمکراسی رژه می رود و دمکراسی پرچم حمله به کمونیسم است، دمکراسی را به ریشند می گیرد و با نقد بنیادهای آن تقاویت عمیق آزادیخواهی سوسیالیستی و دمکراسی خواهی بورژوازی را ترسیم می کند.

#### انقلاب و اصلاحات

یک تفاوت دیگر کمونیسم منصور حکمت برخورد به اصلاحات و رفرم و تبیین رابطه انقلاب و اصلاحات است. برای او اصلاحات با انقلاب تناقضی ندارد و انقلاب بدون حاضر بودن در صف اول مبارزه برای بهبود و اصلاح وضع موجود به نفع کارگران و توده مردم غیر ممکن است. این جنبه که یکی از مهمترین ویژگی های کمونیسم منصور حکمت است موضوع بحث گسترده و بررسی تاریخی است. نکته مهم اینست که منصور حکمت نه انقلابیگری ای را قبول دارد که پرچم اصلاحات را دست بورژوازی داده است و نه تلاش برای ایجاد رفرم و اصلاح را با رفرمیسم یکی میداند. منطق و نگرش او در این زمینه زندگی و مبارزه واقعی و روزمره طبقه کارگر برای بهبود است. بزعم منصور حکمت کمونیسم نمیتواند عنصر فعله و همیشه درگیر مبارزه اقتصادی طبقه کارگر نباشد، چون این تعریف طبقه در جمال روزمره اش است. برای منصور حکمت مهم است که انسانهای معاصرش چگونه زندگی می کنند. او رابطه سیار عمیقی بین بهبود و رفرم و تلاش برای تغییر ریشه ای و برگشت ناپذیر ایجاد میکند.

#### کمونیسم مدرن

## تفاوتهاي کمونیسم منصور حکمت ...

معنی دارد که هدف بلافصلش سازماندهی انقلاب این طبقه برای برپائی جامعه ای کمونیستی است. این یک تفاوت مهم و اساسی کمونیسم منصور حکمت است.

**کمونیسم انترناسیونالیستی**  
کمونیسم قبل از منصور حکمت ناسیونالیست است و افقی محدود پلاغرم اسلام زدایی دارد. منصور حکمت حاکمیت دستگاه دین را در ریف حاکمیت مافا و مواد مخدرا میداند و آگاهانه برای جمع کردن بساط آن تلاش میکند. منصور حکمت به سکولاریسم اکتفا نمیکند. زمانی تمایز مارکسیستها و لیبرالها برسر سکولار بودن جامعه نبود، برسر این بود که کمونیست ها علیه مناسبات ملکی جامعه بورژوازی بودند. اما کمونیسم منصور حکمت بدليل نقش جدید مذهب در سیاست و خلقان و بردگی و توحشی که سرمایه بکمک آن ساخته است، آگاهانه علیه این سلاح سرمایه داری می جنگد و پلاغرمش جارو کردن جنبش اسلامی است. اهمیت این تفاوت منصور حکمت وقتی بیشتر مسائل پیشاروی مبارزه و اتحاد کارگران را می شناسد و برای سوالات سیاسی مانند مسئله ملی راه حل می گذارد تا هم ناسیونالیسم را خلع سلاح و منزروی کند و هم شرایط بسط مبارزه طبقاتی و اتحاد کارگران را تسهیل کند.

**کمونیسم منتقد دمکراسی**  
یک تفاوت دیگر کمونیسم منصور حکمت برخورش به مقوله دمکراسی است. منصور حکمت دمکراسی را به دیکتاتوری ترجیح میدهد اما

## اعتصاب مجدد کارگران پتروشیمی دماوند

بنا به خبر دریافتی، کارگران پتروشیمی دماوند بار دیگر برای دریافت حقوقهای معوقه دست به اعتضاب زدند. طی قول و وعده کارفرما مبنی بر پرداخت 5 ماه حقوق عموق و عییدی و کارانه کارگران شرکتهای نتن و نصب نیرو که از پیمانکاران شرکت مینا میباشدند، پیمانکاران این شرکتها صرفا با پرداخت حقوقهای بهمن ماه سال گذشته، مجدداً بعد از یکماه از پرداخت مابقی حقوقها و طلبهای کارگران امتناع کردند. این سر دوانی و رفتار کارفرما با اعتراض کارگران مواجه شد و کارگران مجدداً دست به اعتضاب زدند.

بنا به خبر این اعتضاب از 29 خرداد ماه برابر 19 ژوئن شروع و تا روز جمعه 2 تیرماه ادامه داشته است. واکنش کارفرمای شرکتهای نصب نیرو، نتن، و مینا نسبت به اعتضاب اینبوده که با مشکل مالی و نداشتن پول برای پرداخت حقوقها مواجه هستند.

روز 2 تیر ماه کارفرمای پتروشیمی دماوند که کارفرمای اصلی میباشد با کارگران اعتضابی وارد مذاکره شده و وعده پرداخت مطالبات کارگران را تا روز شنبه 3 تیرماه داده است. ولی کارگران پیمان اعتصاب را منوط به پرداخت طلبهای خود کرده اند.

لازم به یاد آوریست که کارگران شرکت های نتن و شرکت مهندسی نصب نیرو در اعتراض به عدم دریافت حقوقها و مزایای ماههای دی و بهمن و اسفند سال گذشته و ماههای فوریه و اردیبهشت سال جاری، در اواخر اردیبهشت تا اول خرداد بمدت 3 روز اعتضاب کردند. خواست فوری کارگران پرداخت حقوقها و مزایای 5 ماه گذشته، عییدی، پاداش و سنتوات مربوط به سال گذشته است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

5 تیر 1391 - 25 ژوئن 2012

**کلیه سران و دست اندکاران  
جنایت علیه مردم ایران، نه  
بخاطر عقاید ارتجاعی شان بلکه  
بدلیل جنایت و قتل نفس، باید در  
دادگاههای منتخب و عادلانه و  
علنی مردم محکمه شوند!**

## تفاوتهای کمونیسم منصور حکمت ...

انسان منافع طبقه اش را پیش می برد می شورند و انسانیتی را تجسم می کنند که تحقق آن تنها در پایان دادن به طبقات و تضادهای طبقاتی است. این شرط آزادی جامعه و ایجاد شرایط و اجتماعی است که آزادی فرد شرط آزادی همگان باشد.

**عنوان جمعبندی**  
آن جمله معروف، "تمام فلاسفه به طرق مختلف جهان را تفسیر کرده اند، حال آنکه مسئله برس تغییر آنست"، جوهر ماتریالیسم پراتیکی است که دو قطبی مکانیکی ماتریالیسم تفسیرگر، یعنی جهان بیرونی عنوان آئینه ای که این ذهن به عنوان آئینه ای که این واقعیت را منعکس و تفسیر میکند، را نمیپنیرد.

برای مارکس و لنین و منصور حکمت برآراشتن این پرچم انتقادی - پراتیکی، دخالتگری وسیع و انقلابی در سیاست و جامعه، تلاش برای کسب قدرت سیاسی و تغییر جامعه و تبدیل انسان به سازنده تاریخ خویش است. یاد منصور حکمت، ژوین عزیز را با تلاش برای پیروزی کمونیسم گرامی میداریم.

متشرکم!

**سوسیالیسم تنها راه  
نجات بشریت است!**

اسلامی در سال ۱۹۸۷ در وین ترور کرد، دسته گل هانی به اعضای کمیسیون و حقوقدان اهل عضو کمیته راهبردی اهاده کردند. مریم، با قرار گرفتن در جایگاه ریاست دادگاه، به نمایندگی از کارزار ایران تربیonal، از قضات و حقوقدان اسلامی در سال ۱۹۸۷ در وین ترور کرد، دسته گل هانی به اعضای کمیسیون و حقوقدان اهل عضو کمیته راهبردی اهاده کردند. مریم، با قرار گرفتن در جایگاه ریاست دادگاه، به نمایندگی از کارزار ایران تربیonal، از قضات و حقوقدان اسلامی در سال ۱۹۸۷ در وین ترور کرد، دسته گل هانی به اعضای کمیسیون و حقوقدان اهل عضو کمیته راهبردی، که بدون هیچ گونه چشم داشت مالی و تنها به دلیل همبستگی انسانی و بین المللی شان به این پروژه تاریخی پیوسته اند، سپاسگزاری کرد و همبستگی آنان با مردم ایران را ستود.

پیش از این، حمید صبی، از هیئت قضات و همه‌ی کسانی که به نوعی به این پروژه مردمی کمک کردند، تشکر کرد و یاد پروفسور کادر اسلام، عضو کمیته بین المللی راهبردی حقوقدان ایران تربیonal را که در ژوئیه ۲۰۱۱ در اثر سکته قلبی در گشت، گرامی داشت. وی گفت، تشكیل کمیسیون حقیقت یاب به پیشنهاد کادر اسلام بود.

در پایان، جمعیت یک پارچه سرود "سر اومد زمستون" را خواندند و به این ترتیب، دادگاه در میان هلهله و شادی جمعیت حاضر در محل به پایان رسید.

جلسات دادگاه روزانه به طور زنده از محل دادگاه در لندن پخش شد. دویست و پنجاه و یک هزار و دویست و سی نفر در سراسر دنیا، به ویژه در ایران، دادگاه را به صورت زنده دنبال کردند. پوشش خبری جهانی این دادگاه، علی رغم بی تفاوتی و بی میلی بسیاری از رسانه‌های کوچک و بزرگ در ابتدای آغاز این پروژه تاریخی، بی نظیر بود. تنها کافی است که گفته شود، بیش از پانصد میلیون نفر در سراسر جهان از طریق بی بی سی ورد سرویس، الجزیره، العربیه، تلویزیون کاتال دو سوئی، خبرگزاری سوئی و ده ها روزنامه سوئی و بریتانیائی، چنین رادیو

## مرحله نخست دادگاه رژیم جمهوری اسلامی با موفقیت به پایان رسید

مردمی آرزوی موفقیت نمود. وی گفت، تجربه آفریقای جنوبی نشان داده است، گذشت زمان به تنهایی التیام بخش نیست و لازم است حقیقت بیان و به آن رسیدگی شود. رویا غیاثی، از فعالان کارزار ایران تربیonal، خواهر جان باخته کیری غیاثی، پیام جمعی از مادران خواران را قرائت کرد(۱). پیام اخوان، به نمایندگی از سوی تیم دادستانی، ضمن تبریک برگزاری این دادگاه تاریخی مردمی، به تشریح کار دادگاه و وظایف تیم دادستانی در مرحله دوم دادگاه پرداخت. وی، در کفرانس خبری روز هفده ژوئن، که یک روز پیش از برگزاری دادگاه توسط ایران تربیonal برگزار گردید، گفت، علاوه بر جایتی که جمهوری اسلامی در دهه شصت انجام داده است، کسانی که در این باره سکوت کرده اند نیز، در این جنایت شریک هستند. ما امروز، با برگزاری این دادگاه این سکوت را می شکنیم.

دادگاه، با سخنان کوتاه رئیس دادگاه، ساعت ده و نیم صبح روز دوشنبه ۱۸ ژوئن ۲۰۱۲ کار خود را آغاز کرد. روزانه شانزده تن در جایگاه شهود قرار گرفتند و در باره جنایاتی که رژیم جمهوری اسلامی در دهه شصت در زنان مرتكب شده بود، شهادت دانند. دادگاه، روز دادگاه و شواهدی که کمیته راهبردی حقوقدان ایران تربیonal در اختیار آن قرار می دهد، علیه جمهوری اسلامی کیفرخواست صادر می کند و به دادگاه در مرحله دوم ارائه می دهد.

بعد از جان کوپر، پیام تصویری توتو، رئیس کمیسیون حقیقت یاب آفریقای جنوبی پخش شد. او، ضمن حمایت از مردم ایران، کشتار زندانیان سیاسی در دهه شصت عزیزترین و نزدیک ترین اعضا را یک فاجعه انسانی برای تمام ایران تربیonal آغاز شد. وی، ضمن معرفی اعضا اطهار همبستگی کرد و برای آنان در این دادخواهی جهانی دادگاه، روز دوشنبه ۱۸ ژوئن با سخنرانی پروفسور جان کوپر، رئیس کمیته بین المللی راهبردی حقوقدان ایران تربیonal آغاز شد. وی، ضمن معرفی اعضا کمیسیون و موریس کوپیتون به عنوان رئیس کمیسیون، به روند

هستند و همه داوطلبانه حاضر شدند در این دادگاه مردمی خدمت کنند.

اسامی و موقعیت بین الملی اعضا تیم قضات تحقیق به این ترتیب است:

پروفسور اریک دیوید، استاد حقوق کیفری بین الملل و رئیس مرکز قوانین بین الملی در دانشگاه آزاد بروکسل و یکی از مهم ترین کارشناسان عالی رتبه حقوق کیفری در جهان است. پروفسور دانیال تورپ، استاد حقوق در دانشگاه مونترال و کارشناس حقوق اساسی است. پروفسور ویلیام شاباس، استاد حقوق بین الملل در دانشگاه میدلسکس انگلستان و شناخته شده ترین کارشناس حقوقی در رابطه با مسئله اعدام و رئیس اتحادیه بین الملی دانشمندان قتل عام است.

ماریا لوئیس آسمال، فعال حقوق بشر علیه آپارتاید در افریقای جنوبی که همراه همسرش پروفسور کادر اسلام (عضو متوفی کمیته راهبردی حقوقدان ایران تربیونال) عضو کمیسیون حقیقت یاب آفریقای جنوبی بودند. آن بورکلی، محقق حقوق بشر ایران در سازمان غفو بین الملل در اوایل دهه شصت بوده است. پروفسور موریس کاپیتون، گزارشگر پیشین سازمان ملل متحد در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران و استاد افتخاری حقوق در دانشگاه ایالت بریتانیا کلمبیا است.

#### کارزار ایران تربیونال

۲۰۱۲ ژوئن  
برابر با ۴ نیور ۱۳۹۱

پیام جمعی از مادران خاوران به دادگاه رسیدگی به اعدام فرزندان مان

## مرحله نخست دادگاه رژیم جمهوری اسلامی با موفقیت به پایان رسید...

دیگری بگیرم. هدایت متین دفتری گفت، راز موفقیت این کارزار، استقلال آن بوده است و اگر غیر این بود، من هم به آن نمی پیوستم.

در پاسخ به پرسشی دیگر در مورد روش کار اجلاس پنج روزه کمیسیون حقیقت یابی ایران تربیونال در لندن، یادآوری شد که کمیسیون تحقیق، به صدها برگ مدارکی که خانواده های جان باخته گان و جان بدربردگان به آنها ارائه داده اند، رسیدگی می کند و به شهادت ۸۰ تن شاهد از اعضای خانواده ها و جان بدربردگان که از چندین کشور جهان، از جمله از ایران به لندن آمده اند، رسیدگی خواهد کرد.

بعد از پایان اجلاس تحقیق در لندن، کمیسیون طی سه هفته مدارک و شواهد را از دیدگاه حقوقی مورد بررسی قرار می دهد تا افراد مسئول، روش و برنامه سیستماتیک شکنجه و کشتار زندانیان سیاسی توسط جمهوری اسلامی ایران براساس قوانین جزائی بین الملی و مبیاق جهانی حقوق بشر که ایران نیز یکی از امضا کنندگان آن است، مشخص شده و سپس گزارش خود را به تیم دادستانی اجلاس بعدی تربیونال که بفاصله ۲۵ تا ۲۷ اکتبر ۲۰۱۲ در لاهه برگزار می شود، ارائه خواهد کرد تا براساس آن علیه جمهوری اسلامی کیفرخواست صادر کند.

در ادامه گفته شد، نکته قابل توجه این است که قضات تحقیق و تمامی اعضای کمیته راهبردی کارزار ایران تربیونال از شناخته شده ترین حقوقدانان و ولایت و پژوهشگران حقوقی و قضایی درجه یک جهانی

را سازمان دهی کرده اند. هم چنین، آرمان برگزار کنندگان این دادگاه این است که این نوع دادرسی الگویی شود برای سایر قشرهای جامعه ایران تا بنوتندند به دادخواهی و رسیدگی از رسانه های سیاسی و خبری ایرانی، از جمله بی بی سی فارسی، صدای آمریکا، رادیو فرانسه، رادیو دویچه واله، و تقریباً تمامی تلویزیون ها و رادیوهای سازمان ها و احزاب سیاسی ایرانی و چند روزنامه فارسی زبان، روند دادگاه را رو به ایران و ایرانیان خارج کشور پوشش دادند.

ایران تربیونال، روز هفده ژوئن، یک روز پیش از آغاز دادگاه، در محل دادگاه، کنفرانس مطبوعاتی برگزار کرد. در این کنفرانس مطبوعاتی که پوشش وسیعی گرفت، جان کوپر، دانیل تورپ، اریک دیوید و پیام اخوان به سئوالات رسانه ها و حاضران در جلسه پاسخ دادند. یکی از این پرسش ها، در رابطه با محدودیت زمانی دستور کار این دادگاه بود، که چرا فقط به کشتار زندانیان سیاسی در دهه شصت رسیدگی می شود. جان کوپر، رئیس کمیته راهبردی حقوقدانان ایران تربیونال گفت، دامنه نقض حقوق بشر در ایران بسیار گسترده است و تمامی محدودیت های این پروژه به دلیل کمبود امکانات در زمینه رسیدگی است. در حقیقت، این پروژه محصول رزمیه های جان سپردهگان و جان بدر برگان از این کشتارها است. آنها، بدون هیچ گونه حمایت یا کمک دولتی و یا دریافت کمک مالی از دولت ها و سایر موسسات وابسته به آنها، این پروژه تاریخی

دانیل تورپ، در این باره گفت، شاید هیچ کس به اندازه ما در این باره دغدغه فکری نداشته باشد. شرط پیوستن من به این پروژه، استقلال آن از دولت ها و احزاب سیاسی بوده است. من حاضر نیستم در دعواهای سیاسی، طرف یکی را علیه

## شرکت سازمان آزادی زن در نشست احزاب سازمانها و نهادهای چپ و کمونیست در آلمان

در روزهای ۲۴-۲۵ ژوئن، سازمان آزادی زن در نشستی با حضور ۲۵ حزب، سازمان و نهاد چپ و کمونیست در شهر کلن، آلمان، شرکت کرد. موضوع این نشست که کار تاریک آن از مدت‌ها پیش توسط نمایندگان برعی از این سازمانها آغاز شده بود، تلاش برای شکل دادن به یک بدل سوسیالیستی و هموار کردن فعالیت‌های مشترک علیه رژیم اسلامی میان سازمانهای چپ و کمونیست بود.

ابتدا نمایندگان احزاب، سازمانها و نهادهای حاضر، هر کدام به مدت ۱۰ دقیقه در مورد انتظارات و توقعاتشان از این نشست و هدف‌شان از شرکت در آن صحبت کردند. قریب به اتفاق نمایندگان در مورد اوضاع سیاسی ایران، موقعیت جمهوری اسلامی و همچنین تلاشهای جریانات راست برای آلترناتیو سازی ارتقای برای مردم ایران صحبت کردند. آنها بر این تاکید گذشتند که در این شرایط چپ باید با علم به اختلافات سیاسی و اینتلولژیک، از نقاط اشتراک حرکت کرده و آلترناتیو خود را به جامعه ارائه دهد. برخی به لزوم قوی ظاهر شدن نیروی چپ در خارج کشور اشاره کردند. همکاری مشترک احزاب، سازمانها و نهادهای چپ و کمونیست در خارج کشور محور مباحثت بود.

نسرين رمضانعلی، نماینده سازمان آزادی زن در این نشست، ضمن ابراز امیدواری، این حرکت را مثبت ارزیابی کرد. وی همچنین تاکید نمود که ایجاد صفت محکمی از چیها و کمونیستهایی که خواهان سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی، ایجاد یک حکومت کارگری و استقرار حکومت سوسیالیستی هستند، کاملاً امکان‌پذیر است. و ما باید بکوشیم بعنوان جریاناتی که چپ جامعه را نمایندگی می‌کنند، از همین امروز آلترناتیو خودمان را به جامعه و طبقه کارگر معرفی کنیم. نسرين رمضانعلی همچنین مطرح کرد که از نظر سازمان آزادی زن منظور از همکاریهای مشترک، بهیچوجه انحلال احزاب و سازمانهای موجود نیست؛ به معنای این نیست که شرکت کنندگان این نشست از فردا تمامی نیروی خود را معطوف به همکاریهای مشترک خواهند کرد. او اضافه کرد که در چنین نشستهایی این امکان وجود دارد که در مورد مسائل گریهی بحث و تبادل نظر شود و این امر بنویه خود بر قطب چپ جامعه تاثیر خواهد گذاشت.

در حاشیه این نشست بحث‌های داغی حول مسائلی که جنبش سرنگونی با آن روبرو است، از جمله، نقش غرب در ساختن حکومتهای دست ساز و از بالای سر مردم، نقش رسانه‌های دست راستی در لانتسه کردن نیروهای ارتقای و تلاش آنها برای قالب کردن این نیروهای ارتقای بعنوان رهبران مردم و آلترناتیو رژیم هار اسلامی، جریان داشت. یکی از مسائل میرم مورد بحث رسالت نیروهای چپ و کمونیست در قبال این بلوک راست و ارائه آلترناتیو چپ و کمونیست برای آینده ایران بود. رادیو برابری با نسرين رمضانعلی پیرامون این نشست، دلیل شرکت سازمان آزادی زن در آن و انتظارات توقعات سازمان آزادی زن از آن مصاحبه کرد.

سازمان آزادی زن

۱۳۹۱ - ۷ تیر ۲۷

## پیام جمعی از مادران خاوران به دادگاه رسیدگی به اعدام فرزندان مان

ما گروهی از مادران خاوران، از چهار سال و نیم پیش، که تلاش برای برگزاری این دادگاه مردمی برای رسیدگی به اعدام عزیزان آغاز شد، با حساسیت زیادی آن را دنبال کردیم.

برگزاری این دادخواهی تاریخی، خواست ما و همه‌ی خانواده‌هایی است که عزیزان شان را در زندان‌های ایران به ناحق اعدام کردند. جمهوری اسلامی، فرزندان ما را از همان روزهای اول انقلاب تحت تعقیب قرار داد، پس از دستگیری و شکنجه، اعدام شان کرد. آنها، نسل کشی را از سال شصت آغاز کردند و در سال شصت و هفت با کشتار فرزندان در بندهمن، که از اعدام‌های سال‌های پیش از آن جان سالم بدر برده بودند، به اوج رساندند. نسلی را که در پیدایش و ظهور انقلاب نقش داشت، نابود و در کانال‌های که در گورستان‌های بدون نام و نشان کنند، در پنهان دفن کردند.

ما، از سال شصت به دنبال این حقیقت بودیم که بدانیم عزیزان مان را چرا کشتند و به چه علت و به چه جرمی کشتند. سی سال منتظر بودیم مسئولان جمهوری اسلامی به ما پاسخ دهن. نه تنها هیچ پاسخی نگرفتیم، نه تنها حاضر نشدند به این جنایت هولناک اعتراض کنند، ما را همه‌ی این سال‌ها تحت فشار قرار دادند، کنک مان زندن، ببسیار مان کردند، اجازه برگزاری سالگرددها و جلسات یادمان را به ما ندادند، از رفتن به خاوران هم محروم مان کردند.

می‌دانیم سرگذشت ما، سرگذشت غم انگیز همه‌ی مادران و همسران و خواهران و پدران و فرزندان و برادرانی است که عزیزان شان در زندان‌های سراسر ایران قتل عام شدند.

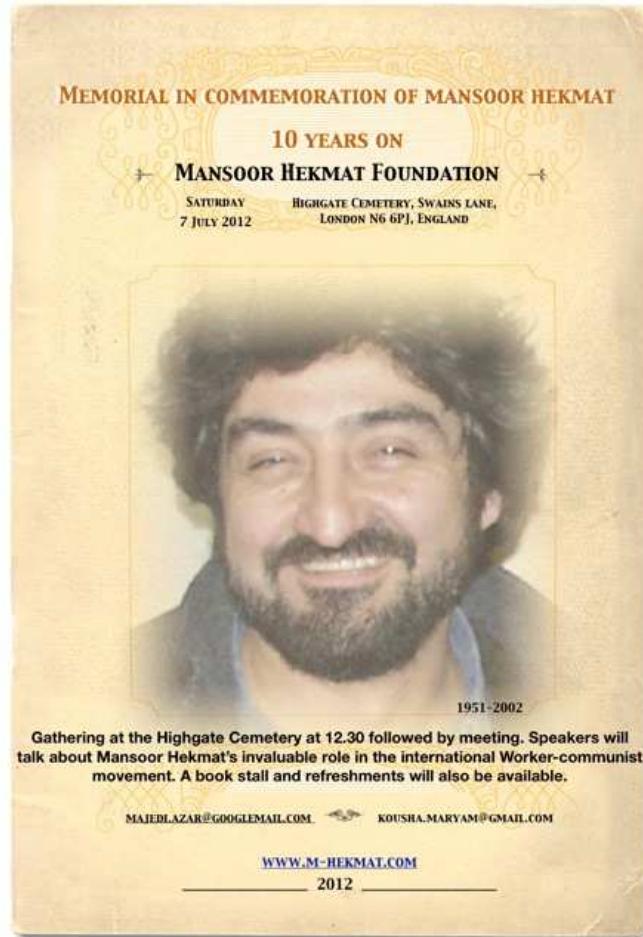
ما مادران خاوران، ضمن تبریک برگزاری این دادخواهی تاریخی، آن را اقدامی بسیار مهم در راستای روشن شدن جنایاتی می‌دانیم که جهان سی سال است چشم بر روی ان بسته است.

این یک دستاوردهای تاریخی برای ما خانواده‌ها و همه‌ی مردم ایران است، که شکل گیری آن را یک موفقیت بزرگ در راستای مبارزات مردم ایران برای رهایی می‌دانیم.

جمعی از مادران خاوران  
28 خرداد 1391

اطلاعیه سوم

## قابل توجه شرکت کنندگان در مراسم بزرگداشت منصور حکمت



بنیاد منصور حکمت در روز شنبه ۷ ژوئیه (جولای) ۲۰۱۲ در دهمنیں سالگرد منصور حکمت، مراسمی را در گرامیداشت وی در گورستان هایگیت لندن برگزار می کند. از کلیه شرکت کنندگان در این مراسم خواهشمندیم که اگر تاکنون شرکت خود را به برگزار کنندگان اعلام نکرده اند، بمنظور تدارک هر چه بهتر و مناسبتر این مراسم، هر چه سریعتر با ما تماس بگیرند.

همچنین خواهشمندیم که ابتدا در پارک واترلو، جنب گورستان هایگیت حضور بهم رسانند تا با هم به گورستان هایگیت وارد شویم. لطفا قبل از ساعت ۱۲ و ۳۰ دقیقه در پارک واترلو حاضر باشید تا مراسم سر ساعت ۱۲ و ۳۰ دقیقه آغاز شود. توجه داشته باشید که ۳ پوند برای ورود به گورستان هایگیت همراه داشته باشید.

آدرس گورستان هایگیت:

**Swains Lane, London, Highgate N6 6PJ**

ایستگاه مترو:

**Archway station, Northern Line (High Barnet branch)**

از این ایستگاه یا میتوانید اتوبوس ۲۱۰، ۱۴۳ یا ۲۷۱ را بگیرید و دو ایستگاه بعد در مقابل پارک واترلو پیاده شوید. یا اینکه از ایستگاه که خارج شدید، بسمت راست بروید و پیاده در خیابان هایگیت هیل بست میگردید. پارک واترلو بروید. وارد پارک واترلو بشوید و ۵ دقیقه پیاده تا گورستان هایگیت راه است.

\* لطفا توجه داشته باشید که در شرایط کنونی بعض ایستگاه آرج وی در ویک اند ها تعطیل است. لطفا پیش از حرکت باز بودن ایستگاه را در سایت زیر چک کنید:

<http://www.tfl.gov.uk>

اگر با ماشین به هایگیت می آید، توجه داشته باشید که خیابان سوئین لین از طرف جنوب قابل دسترسی است. پارکینگ در مقابل گورستان هایگیت منوع است.

**majedi.azar@gmail.com      07505381638**

آذر ماجدی  
مسئول بنیاد منصور حکمت

[www.m-hekmat.com](http://www.m-hekmat.com)

<http://hekmat.public-archive.net>

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

سرنگون باد جمهوری اسلامی!